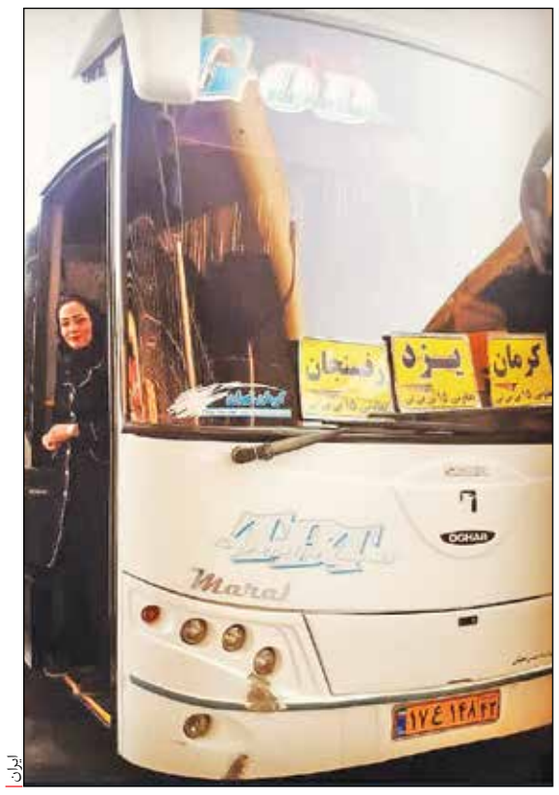

ایران

دیگر فقط سبیلوها پشت فرمان اتوبوس های بین شهری نمی نشینند

شوفرهای زن

گزارش

نیلوفرمنصوری
خبرنگار

مسافران، پله‌های اتوبوس را بالا می‌روند و با دیدن راننده کمی مکث می‌کنند؛ بین رفتن و برگشتن دودل می‌شوند اما طنین محکم صدای خانم راننده که با لبخند به مسافران خوشامد می‌گوید، همه را به سفر با این اتوبوس ترغیب می‌کند؛ اتوبوسی که با بقیه اتوبوس‌ها فرق می‌کند. هدایت این اتوبوس با زن میانسالی است که دست‌فرمانش زبانزد خیلی از راننده‌های کرمان به تهران است. حکایت زنان راننده اتوبوس بین‌شهری روایت کسانی است که به مردانه بودن این شغل پایان داده اند. حالا جاده‌های کشور شاهد حضور زنان راننده‌ای است که در صنعت حمل‌ونقل کارنامه درخشانی از خود به جا گذاشته اند. می‌گویند بهترین لحظه برای آنها وقتی است که از آینه مسافرانی را می‌بینند که با آرامش خوابیده‌اند.

> حکایت زنان راننده اتوبوس بین شهری روایت کسانی است که به مردانه بودن این شغل پایان داده اند . حالا جاده های کشور شاهد حضور زنان راننده ای است که در صنعت حمل و نقل کارنامه درخشانی از خود به جا گذاشته اند. می گویند بهترین لحظه برای آنها وقتی است که از آینه مسافرانی را می بینند که با آرامش خوابیده‌اند

فرمان زندگی

در یکی از سفرها با یکی از زنان راننده اتوبوس بین‌شهری همراه می‌شوم. در زمانه‌ای که همه از اوضاع خراب درآمد می‌گویند، او با علاقه و اشتیاق از حرفه‌اش حرف می‌زد؛ البته منکر سختی‌هایش نمی‌شود. «فرشته پوراسماعیلی» راننده خط کرمان به تهران، اصالتاً اهل شهربابک است، اما کرمان زندگی می‌کند. داستان راننده شدنش را این‌گونه تعریف می‌کند:«به قول همکارانم، رانندگی در جاده با گواهینامه پایه یک، در خون ماست. چهار برادرم تریلی باری دارند. قبل از ازدواج گاهی پشت فرمان تریلی آنها می‌نشستم.»

فرشته پس از ازدواج، مهارتش در رانندگی را به همسرش نشان داد و او مشوقی شد برای شغل سکانداری اتوبوس. می‌گوید: «خیلی سخت گواهینامه پایه یک برایم صادر شد. رئیس راهنمایی و رانندگی آن زمان، اعتقادی به راننده زن نداشت و روز امتحان از همه بیشتر به من سختگیری کرد. چند روز بعد از راهنمایی و رانندگی تماس گرفتند و گفتند از اینکه اسم یک زن در میان گواهینامه‌های پایه یک است، تعجب کردیم، چون آقای رئیس به هیچ راننده زنی گواهینامه پایه یک نمی‌دهد. بعد از گرفتن گواهینامه به پیشنهاد همسرم، کارم را با هم شروع کردیم، اما با توجه به اینکه همسرم در سرویس دربستی فعالیت می‌کرد و سرویس‌ها چند روز طول می‌کشید، برایم سخت بود که دو دخترم را خانه تنها بگذارم. به همین خاطر بعد از دو سال سرویس دربستی را کنار گذاشتم و وارد شرکت اتوبوسرانی شدم. از زمانی که دربستی را رها کردم، می‌توانم کنار دو دخترم باشم. بعدها، یکی از دخترها دانشجوی تهران شد و در سرویس به تهران پیش او بودم و وقتی به کرمان می‌رفتم، کنار دختر دانش‌آموزم بودم.»

او که اکنون وضع و حال جسمانی چندان مناسبی ندارد، می‌گوید:«در این سال‌ها مشکلات ریز و درشت زیادی داشتم. از رانندگی سنگین در شب‌ها و دعواهای بین‌جاده‌ای تا توقیف و خرابی ماشین، همه این استرس‌ها اثرات بدی روی من به جا گذاشت و حالا از سردرد، میگرن، دردهای استخوانی و ناراحتی اعصاب و مشکل بینایی رنج می‌برم. گاهی اوقات فکر می‌کنم ای کاش سراغ شغل دیگری که آسیب کمتری داشت، می‌رفتم. البته الان هم با عشق پشت فرمان اتوبوس می‌نشینم اما مشکلات جسمی باعث شده ساعت کمتری رانندگی کنم.»

هنگام صحبت از دخترانش، بغض می کند و می‌گوید:«کاش همان زمان که رئیس پلیس مدام مرا در مرحله تپه رد می‌کرد سماجت نمی‌کردم و دخترانم را تنها نمی‌گذاشتم.»

از او می‌پرسم زمانی که در جاده، اتوبوس خراب یا لاستیک پنچر می‌شود، کاری از دستش برمی‌آید یا نه، می‌گوید:«هوشمند شدن اتوبوس‌ها به راننده‌ها کمک زیادی کرده و هر نقطه از اتوبوس که خرابی یا مشکلی داشته باشد، هشدار می‌دهد. البته اتوبوس من را بیشتر راننده‌ها می‌شناسند و اگر خراب شود، برای کمک توقف می‌کنند. مثلاً اگر اتوبوس آب کم کند یا تسمه شل شود، آن را درست می‌کنند اما با وجود این گاهی اوقات درست کردن بعضی خرابی‌ها حتی از عهده یک مرد هم برنمی‌آید و نیاز به کمک چند نفر دارد. در رستوران‌های بین‌راهی نیز هر جایی مسافر راضی باشد، توقف می‌کنم. به سفارش‌های فروشگاه‌های بین‌راهی و رستوران‌ها هم توجهی نمی‌کنم.»

وقتی صحبت از مشکلات شغل رانندگی اتوبوس آن هم برای یک زن به میان می‌آید، ابتدا کمی مکث می‌کند و بعد از چند دقیقه از سختی‌ها و مشکلات، این‌گونه می‌گوید: «رانندگان بین شهری برخلاف راننده‌های داخل شهری، از حقوق و مزایای پایینی برخوردار هستند و متأسفانه سختی کار به آنان تعلق نمی‌گیرد، در حالی که وضعیت جاده‌های بیرون شهر با داخل شهر خیلی فرق می‌کند و ماشین ما زودتر مستهلک می‌شود. خیلی از جاده‌ها آسفالت استانداردی ندارند و ایمن نیستند. وضعیت بد جاده‌ها باعث بالا رفتن هزینه‌های ماشین می‌شود. هزینه‌های تعمیر و نگهداری اتوبوس زیاد است. مثلاً باید سالی چندبار لاستیک اتوبوس را عوض کنیم. قیمت لاستیک هم هر روز بالا می‌رود و با این وضعیت جاده‌ها اگر لاستیک فرسوده باشد جان مسافران به خطر می‌افتد. هزینه تعویض روغن اتوبوس هم بالاست و در ماه باید دو یا سه بار روغن عوض کنیم.»

«مارال» جاده‌ها

جاده برای او یعنی همه چیز. برای اتوبوسش هم نام «مارال» را انتخاب کرده تا زیبایی‌اش چشم‌نواز باشد. برایش لذت تماشای مسافران آرام و زیبایی‌های جاده، از همه چیز مهم‌تر است. راننده اتوبوس شدن «زهرا ترقی‌خواه» هم داستان مشابهی دارد. ۷ سالی است که راننده اتوبوس است و جاده کرمان به تهران را مثل کف دست می‌شناسد. اومی‌گوید:«سال ۱۳۹۶ که گواهینامه پایه یک گرفتم، فعالیتم را شروع کردم. در طول هفته راننده سرویس دانشجویان دانشگاه علامه جعفری کرمان هستم و آخر هفته‌ها سرویس مسیر کرمان به تهران و تهران به کرمان دارم. جزو آن دسته از زنانی هستم که به کارهای سخت و سنگین علاقه دارند. از کودکی برخلاف همسن و سال‌هایم به ماشین سنگین علاقه داشتم و به جای عروسک با ماشین‌های اسباب‌بازی مثل کامیون و اتوبوس بازی می‌کردم. دخترم هم مثل خودم بزرگ شده است. امسال دیپلم گرفته و با اینکه گواهینامه ندارد اما گاهی اوقات پشت فرمان می‌نشیند.»

او از خاطرات اولین سرویسی که از کرمان به تهران آمد، این‌گونه می‌گوید:«خیلی حس خوبی بود. آنقدر در این سفر مسلط بودم و کارم خوب بود که از من خواستند با آنها به شکل دائم کار کنم. آن روز ساعت ۴ عصر از تعاونی ۱۵ کرمان حرکت کردیم تا به تهران رسیدیم. وقتی در تاریکی شب مسافرها را از آینه دیدم که راحت خوابیده‌اند، خیلی لذتبخش بود و به همین خاطر اصلاً احساس خستگی نکردم. بعد از ۹ ساعت که به تهران رسیدیم، همه مسافرها بخصوص خانم‌ها تشکر کردند.»

حمایت خانواده نقش مهمی در زندگی و کار آنها دارد. زهرا از این حمایت که باعث شد پشت فرمان اتوبوس بنشیند این‌گونه می‌گوید:«خانواده مشوق من بودند و به دلیل علاقه زیادی که به رانندگی داشتم هرگز مخالفت نکردند. بسیاری از مردم شغل رانندگی را مردانه می‌دانند. در مسیر بین‌شهری، مردم نگاه مثبتی نداشتند و راننده اتوبوس زن کم بود اما الان خیلی از مسافرها با دیدن ما ذوق می‌کنند و عکس می‌گیرند و می‌گویند زنان بهتر رانندگی می‌کنند.»

به گفته زهرا، برخی از مسافران در پایان سفر تشکر می‌کنند و می‌گویند که وقتی شما رانندگی می‌کردید راحت خوابیدیم. او می‌گوید:«در کنار رانندگی سعی کردم از کارهای خانه غافل نشوم. خانواده با کار من کنار آمده‌اند. دخترم هم بزرگ شده و کمک‌دستم است. عاشق شغلم هستم اما درآمدم آنقدر زیاد نیست که بتوانم برای خودم اتوبوس بخرم. دانشگاه از ۶ صبح تا ۶ عصر ماهی ۱۶ میلیون و برای هر سرویس به تهران یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان دریافتی دارم. با وجود این، با علاقه کار می‌کنم و از کارم راضی هستم.»

آنها از اینکه هر روز به تعداد راننده‌های زن در اتوبوس‌های بین‌شهری اضافه می‌شود، خوشحال می‌شوند؛ راننده‌هایی که کارنامه آنها در همین مدت کوتاه هم نشان می‌دهد از برخی مردان بهتر رانندگی می‌کنند. «انسان‌دوستی راننده‌های ماشین سنگین در جاده‌ها زبانزد است»؛ این را زهرا می‌گوید و تأکید می‌کند:«گاهی که ماشین خراب یا پنچر می‌شود، همکارانی که ماشین مرا می‌شناسند به کمک من می‌آیند، اما در کل، راننده اتوبوس و کمک‌راننده با هم مشکلات را حل می‌کنند. خوشبختانه تا امروز تصادفی نداشته‌ام و کمی مکانیکی بلدم اما با این حال مشغول آموزش بیشتر در خصوص ماشین‌های سنگین هستم.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۶۵۶

آسان

		۷	۵		۶	۸	۲	
	۱						۵	
					۳	۶		۴
		۱	۴		۷		۸	۹
۸		۹		۶		۲		۷
۲	۷		۳		۸	۴		
۷		۳	۸					
	۵						۷	
	۲	۸	۹		۱	۳		

متوسط

		۲	۱				۵	
				۹			۶	
	۶	۷	۳				۱	۴
			۲				۳	۵
		۶	۴	۵	۸	۷		
۵	۲				۳			
۸	۷				۲	۵	۹	
	۴			۸				
	۵				۹	۲		

سخت

				۳				
۱	۲		۹					
	۸			۵	۴		۶	۳
	۷	۶		۱				
۴								۵
				۸		۲	۷	
۹	۴		۱	۲			۵	
					۵		۸	۷
				۹				

خیلی سخت

	۱				۵	۹		
		۶	۷					۴
				۱			۶	
۷	۴						۳	
۱				۷				۸
	۸						۷	۱
	۳			۸				
۶					۲	۳		
		۲	۴				۹	

حل جدول سودوکو شماره ۴۶۵۶

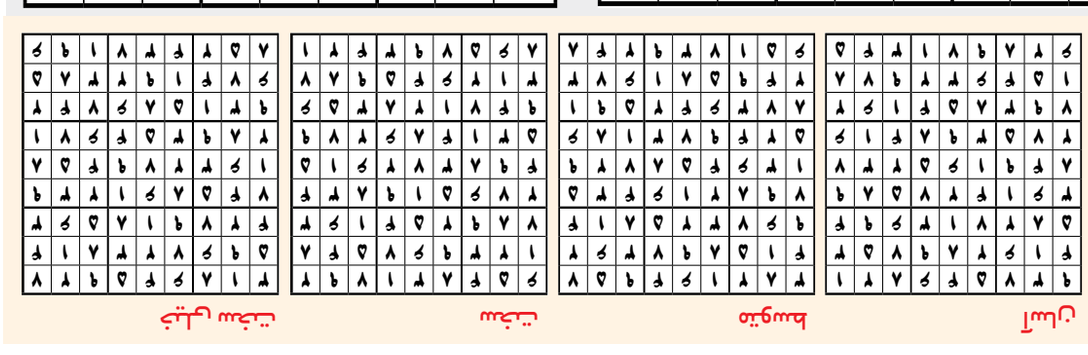

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۶۲۷

جدول عادی

افقی:
۱ - تذکر و گوشزد - عبور کالا از کشوری به کشور دیگر بدون پرداخت گمرک
۲ - دوستدار و مهربان - نجات دهنده - تیم فرانسوی
۳ - سریالی از سروش محمدزاده (۱۴۰۲) - لباس شنا - چوبکار
۴ - شیر اول حیوان نوزاییده - سیب‌زمینی ندارد! - آشنا - تصدیق بی‌ادب
۵ - گرما، حرارت - پادشاهان - داستان بلند
۶ - مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی - کرم کدو - ترمز چارپا
۷ - «کاخ کرملین» نماد این شهر است - فرمانی نظامی - رشته
۸ - روستای شگفت‌انگیزی از توابع «کن» تهران - بازیکن هم‌تیمی - زادگاه موسیقی «بلوز»
۹ - فلز چهره! - اعلامیه حزبی - گوی‌ها
۱۰ - مساوی عامیانه - جوانمردی - روزنامه
۱۱ - با «مال» آید - شهر استان اصفهان - بوی ماندگی
۱۲ - از الفبای فارسی - رفتار خوب - جثه و اندام - نقصی در اتومبیل
۱۳ - هلاک و نیستی - شهر «سیمان» استان قزوین - گرفتن
۱۴ - نشانه‌های نوشتاری - الهه زیبایی - سرسرای هتل
۱۵ - مرکز «ترکمنستان» - شاخص و عامل تأثیرگذار

عمودی:
۱ - بازیگر رئالیتی شوی در حال پخش «چهارپایه» - خداحافظی
۲ - نام «هیتلر» - شادی - شهری در شمال کشورمان
۳ - مدت زمان معین - گدایی - هم‌رأی
۴ - پرداخت دین - منسوب به بنی‌امیه - ضمیر وزنی - سود حرام
۵ - قسمت پایین گوش - تلافی - نوشیدنی گوارا
۶ - رود اروپایی - فیلم کیومرث پوراحمد - نام زنانه خارجی
۷ - ایستگاه پیک‌ها - از دروس رشته علوم انسانی - رنگ زخم!
۸ - از توابع بوشهر - بالای زانو - مدرن
۹ - ماده مؤثر چای - مرحله به مرحله - مدلی برای مو
۱۰ - شهر ورزشی «بلغارستان» - شهر «افغانستان» - ادات تشبیه
۱۱ - اشاره به دور - شهر استان اصفهان - از بخش‌های اوستا
۱۲ - مقدس‌ترین برکت الهی - عدد بازیکنان یک تیم فوتبال در زمین! - تیره شده - خروس مازندرانی
۱۳ - شهر چاقو - خوان طعام - سنگ مرمر
۱۴ - جناح چپ - اسم دخترانه - جانشینی
۱۵ - کدر، ظلمانی - مغلوب نشدنی و محفوظ از خطر

جدول ویژه

افقی:
۱ - هرگونه عامل محیطی که در دوره پیش از تولد جنین، به آن آسیب برساند- قلعه‌ای تاریخی حومه محله صفائیه شهرری
۲ - فقرالدم - درودگر - کشوری در قاره آسیا
۳ - آرام و بدون دغدغه - روحانی زردشتی - جزیره‌ای در کشورمان
۴ - زادگاه نیما - سفید آذری - بلند - راهرو
۵ - کوزه سفالین - زیرساخت نقاشی - در بطری
۶ - نویسنده - به جهت - آوای درشت
۷ - اصطلاحی در هنرهای رزمی - ایالت «چمن آبی» - نوبت بازی
۸ - شهر «چشمه حیدر» - جعبه حروف سربی - اعمال انعکاسی
۹ - میوه پرزدار - قهرمان یونانی - پوست دانه غلات
۱۰ - چهار من تبریز - همان «تاتار» - نام پسرانه
۱۱ - مقدار اندک - رشته‌کوهی در غرب کشور - داغ کردن
۱۲ - مخفف من را - بیماری عفونی - بوی زننده رطوبت - از قبایل عرب
۱۳ - دربردارنده - جمع نجیب - این روستا مابین شهرهای آذرشهر و عجب‌شیر واقع شده
۱۴ - نوعی مکان بومگردی - نوعی پاسکاری در فوتبال - ساده‌لوح
۱۵ - کتاب «جان ماکسول کوتسی» - زبان رسمی «اسلواکی»

عمودی:
۱ - اثر «میخائیل شچدرین» رمان‌نویس و طنزپرداز روسی - چنین پایه‌ای هرگز فرو نمی‌ریزد
۲ - عنصر فلزی شماره ۷۵ - از شعرای قرن دهم - شهر استان کرمان
۳ - بهشت گیلان - تراموا - پایدار
۴ - پرش ناگهانی عضلات - نوشته پاک‌نویس شده - نظریه - چراگاه ایل
۵ - پوشاننده - نورشناسی - پول ژاپن
۶ - واحد انتقال صفات ارثی - استخوانی در مچ پا - مشاور
۷ - اختر - نمک نشناس - خشک‌میوه
۸ - ماده آلی اَژَت‌دار بدن - تمام - طایفه‌ای از تاتار
۹ - حاجت - زندانی بود در «پاریس» - نماز سر وقت خود
۱۰ - بروشور - کوبنده مطبخ - همان «بس»
۱۱ - پایتخت فراری - کوچ‌نشینان - آشنا
۱۲ - سوغاتی از کشمیر - خط کش رسم - تباهی - ناگهانی
۱۳ - عضو موشک - معشوق - شعله آتش
۱۴ - مدلی از خودروی هیوندای- مرکز «آذربایجان» - خرس درختی
۱۵ - فلز سکه‌زنی - «مارک زاکربرگ» را به‌عنوان.... می‌شناسند

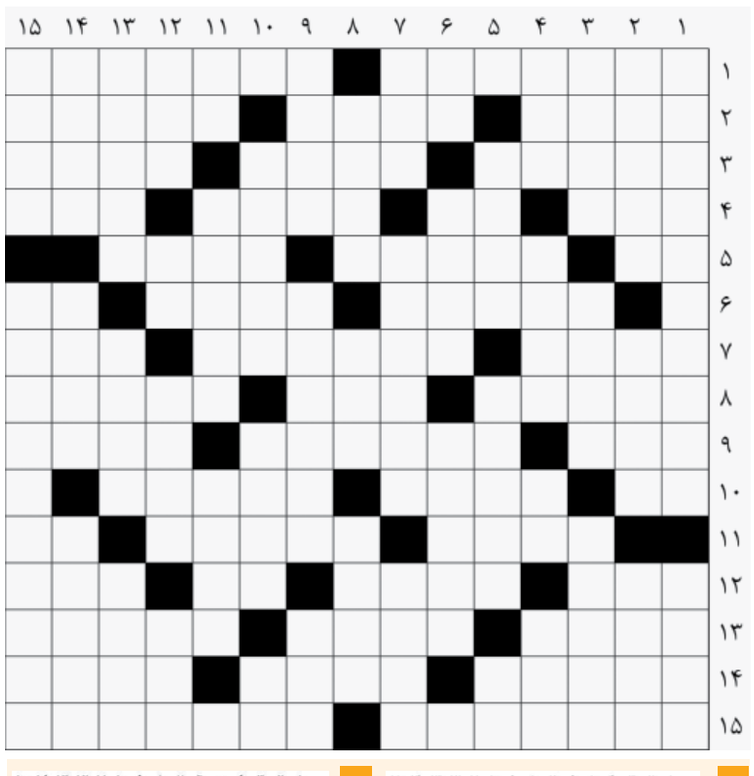

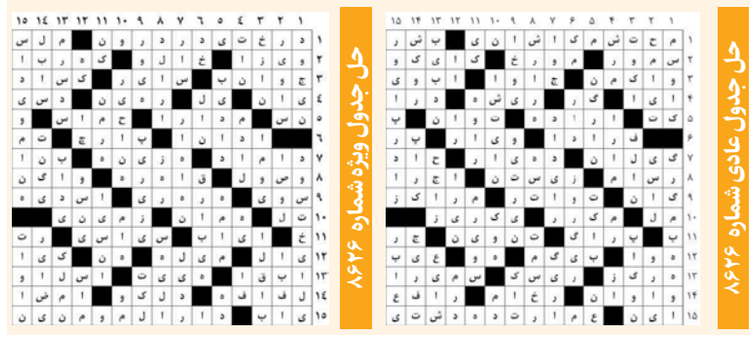

حل جدول عادی شماره ۸۶۲۶ — حل جدول ویژه شماره ۸۶۲۶